

جلسه هشتم

هنر ایران پس از اسلام

با حضور اسلام در ایران تحولات بسیاری در هنر و نقاشی به وجود آمد، تاثیر حکومت‌های متفاوت و اعراب بر نقاشی این دوران بسیار است. هنر ایرانی، تأثیر فراوان بر هنر تمدن اسلامی داشت. هنر این دوره ایران، «غیر واقع‌گرا» است و در جستجوی هدفی غیر زمینی است.

در آغاز دوره اسلامی، به دلیل استناد حاکمان اموی و عباسی به اینکه تصویرسازی در اسلام حرام است، ممانعت‌هایی برای تصویرسازی و شبیه‌سازی وجود داشت. به همین دلیل نقوش استفاده شده در هنرهای اوایل این دوره، به سمت «نقوش انتزاعی» و هندسی و بیشتر نقوش گیاهی تمایل یافت.

کتاب آرایبی دوران اسلامی

در دوران اسلامی، به کتاب آرایبی و هنرهای مربوط به آن مانند تجلید (جلدسازی)، صحافی، خوشنویسی، تذهیب و تشعیر و ... اهمیت فراوان داده شده است.

اندازه کتاب از لحاظ طول و عرض را «قطع» کتاب می‌گویند. کتاب در ایران، دارای اندازه (قطع)های نسبتاً مشخصی است که تقریباً با حدود نسبی رعایت شده است. در ایران، قطع‌های زیر با اندازه‌های متوسط و تقریبی وجود دارد.

- ۱- قطع سلطانی، حدود ۳۰ در ۵۰ سانتیمتر. قطع سلطانی بزرگترین قطع بوده و چون معمولاً با این قطع، کتابها برای سلاطین نوشته می شد، آنرا سلطانی گفته اند.
 - ۲- قطع رحلی یا نیم ورقی، حدود ۲۲ در ۳۵ سانتیمتر.
 - ۳- قطع وزیری، حدود ۱۶ در ۲۴ سانتیمتر.
 - ۴- قطع رقی یا ربعی، حدود ۱۴ در ۲۲ سانتیمتر.
 - ۵- قطع جانمازی یا حمایلی، حدود ۸ در ۱۲ سانتیمتر.
 - ۶- قطع بغلی، حدود ۴ در ۶ سانتیمتر.
 - ۷- قطع بازوبندی، حدود ۲ در ۳ سانتیمتر.
 - ۸- قطع خشتی، در حدود قطع رقی با طول و عرض مساوی. (بیشتر ۲۲ در ۲۲ سانتیمتر)
 - ۹- قطع جیبی، بین قطع رقی و قطع بغلی را قطع جیبی می گویند.
- کتابهایی که از جهت عرض باز شوند، «بیاضی»، می نامند.
- «مسطره»، وسیله ای برای خط کشی، جدول بندی و سطر بندی کتابت در دوران اسلامی بوده است.
- هنر تجلید یا جلدسازی ایران پس از اسلام

هنر جلدسازی و حفظ نوشته‌ها، به اندازه خود نوشتن قدمت دارد. اما از دوران پیش از اسلام در ایران، جلدی باقی نمانده است، به احتمال بسیار زیاد متن‌های نوشته شده بر چرم، در پوشش‌های چرمی نگهداری می‌شده است. قدیمی‌ترین جلدی که از دوره اسلامی در ایران یافت شده، از مسجد جمعه نائین به دست آمده و مربوط به سده هفتم هجری است.

جلد کتاب «منافع الحيوان» که در کتابخانه «پیرپونت مورگان» است، ساخت اواخر قرن هفتم هجری در مراغه است. ظاهراً جلد دیگری که مربوط به قبل از قرن هشتم هجری باشد، در ایران پیدا نشده است. در قرن هشتم، جلدسازی و صحافی در جهان عرب به خصوص در مصر به اوج تحول خود رسید و نفوذ جلدسازی آنها در ایران متجلی شد. جلد‌هایی ساده که از نظر فن اجراء شبیه جلد‌های عربی بود.

در قرن نهم هجری، روش قدیمی تزئین ساده کمال پیدا کرد و فنون ظریف‌تر و پرداخته‌تر جایگزین آن شد که تجمل طلبی و زندگی درباری در این دوره را نشان می‌داد. در زمانی که هرات، زیر نظر بایسنقرمیرزا به مرکز فرهنگی هنری تبدیل شده بود، حاشیه جلد‌ها «قلم کاری» می‌شد و برای تزئین گوشه‌ها یا زمینه‌های متنوع‌تر از «مهر کوبی» استفاده می‌شد، جلد پشت و رو را اغلب با یک سبک تزئین می‌کردند، اما معمولاً جلد پشت ساده‌تر بود. به دلیل آن که داخل جلد‌ها کمتر آسیب دیده است، اغلب تزئینات داخل جلد‌ها بیشتر محفوظ مانده است. زمینه آستری جلد را بیشتر با لاجورد رنگ می‌کردند تا نقوش مطلای مثبت کاری شده را برجسته‌تر نشان دهد.

«دوست محمد»، در نوشته‌ای به تاریخ ۹۲۲ هجری، این روند را «منبت کاری» نامیده است.

ترسیم مناظر و حیوانات واقعی و افسانه‌ای که غالباً خاور دور الهام بخش آن بود، که در مکتب هرات معمول بود، در تزئین جلد کتاب نیز دیده می‌شود. برخی از جلدها در مکتب هرات با نقوش هندسی یا اسلیمی تزئین شده است.

در قرن دهم هجری، با آغاز عهد صفوی، دگرگونی اساسی در فن و سبک جلدسازی به وجود آمد. بزرگترین تغییری که در این فن به وجود آمد را استفاده گسترده از «مُهر» دانسته‌اند. اغلب روی یک صفحه مهر بزرگ، طرحی از طبیعت را حکاکی می‌کردند، اگر این طرح‌ها قرینه بود روی یک نیم صفحه حکاکی می‌شد و برای تهیه یک طرح کامل دو بار ضرب می‌شد. معمولاً نقوش این طرح‌ها گلدار بود.

این مهرها معمولاً از فولاد یا مس ساخته می‌شد، اما بعدها بعضی مهرها و به خصوص مهرهایی که برای تزئین گوشه‌ها و مدال‌ها به کار می‌رفت از چوب یا چرم ساخته شد. برای زراندود کردن هم‌زمان، چرم مرطوب را با رنگ طلائی می‌پوشاندند، سپس مهر داغ را بر آن می‌نهادند و تحت فشار می‌گذاشتند. زمانی که تولید مکانیکی طرح به این گونه متداول شد، انحطاط واقعی هنر جلدسازی آغاز شد. شکل تزئینات جلد‌ها که در قرن هشتم هجری مدور یا کثیرالاضلاع بود در قرن نهم و دهم هجری شکل نوک تیز آن بیشتر به کار می‌رفت. در بعضی از جلد‌های قیمتی، گوشه و مدال‌ها را مستقیماً مهر نمی‌کردند، بلکه قطعات آنها را جداگانه می‌ساختند و روی جلد نصب می‌کردند.

جلد یک نسخه خطی حاوی داستان «خسرو و شیرین» اثر نظامی گنجوی، که در موزه «ویکتوریا و آلبرت» در لندن وجود دارد، یکی از مهم‌ترین جلد‌های ایرانی است. این جلد توسط «محمد حسن تبریزی» امضاء شده و دارای تاریخ ۱۰۵۸ هجری است.

قرن ۱۱ هجری، انحطاطی در هنر جلدسازی ایران به وجود آمد و در قرن بعد جلدهایی که زمینه طراحی یکنواختی داشت، به وجود آمد، و اغلب طرح‌ها به جای مهر شدن، نقاشی می‌شد.

حذف حاشیه‌ها را یکی از آخرین مراحل انحطاط هنر جلدسازی ایرانی دانسته‌اند. در آغاز قرن ۱۳ هجری، شاهد جلوه‌هایی در جلدسازی هستیم که احتمالاً تحت تأثیر هنر اروپایی بوده است. در این دوره جلدها فاقد لبه برگردان بود و جلد رو اغلب دارای مدال ساده و مهر شده کوچکی بود که معمولاً با نقوش گلدار تزئین می‌شد.

جلدسازی به شیوه «نقاشی زیرلاکی» را یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای جلدسازان ایرانی دانسته‌اند. این فن در قرن ۱۰ و ۱۱ هجری در مراکزی مانند تبریز و اصفهان بین صفویان محبوبیت بسیاری پیدا کرد. در حقیقت این هنر نقاشان بود که روی جلدها جلوه‌گر شد. در قرن ۱۱ هجری، ترکیب طرح‌ها به تدریج ظرافت خود را از دست داد و خط‌ها خشن‌تر شدند.

در عهد قاجاریه، به دلیل تأثیر بسیار هنر اروپایی، و کاربرد رنگ‌های نسبتاً خام، جلدهای لاک‌ی به طرف تصاویر اروپایی پیش رفت.

مهم‌ترین شیوه‌های ساخت جلد در ایران که در دوره‌های مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند، عبارتند از: جلد ضربی یا کوبیده، «جلد سوخت، جلد سوخت معرق، جلد روغنی یا لاک‌ی» «پاپیه ماشه»، جلد قلمکار.»

- جلد ضربی یا کوبیده

بر روی قالب‌های فلزی، (بیشتر از فلز برنج استفاده می‌شد)، نقوش مورد نظر را حکاکی می‌کردند، سپس چرم را در بین دو قالب که کمی داغ شده بود، قرار می‌دادند و تحت فشار می‌گذاشتند. نقوش به صورت فرو رفتگی و برآمدگی بر روی چرم ایجاد می‌شد. با استفاده از قالب ده‌ها جلد شبیه به هم می‌ساختند. جلد ضربی، یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین جلدها در ایران است که از اوایل دوره اسلامی رایج بود، با گذشت زمان تکامل پیدا کرد و در دوره تیموری و صفوی به اوج رسید. در دوره قاجار نیز ساخت این جلدها معمول بود و حتی امروزه هم بعضی از صحافان به این شیوه جلد می‌سازند.

- جلد سوخت

این روش یکی از ظریف‌ترین شیوه‌های جلدسازی در ایران است. نقش کشیده شده بر روی چرم، به وسیله «نقش بر» با دقت و ظرافت جدا می‌شود و بر روی جلد چسبانده می‌شود. انواع نقوش گیاهی، انسانی و حیوانی با دقت و ظرافت بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد. ظاهراً این شیوه در اوایل دوره تیموری شکل گرفت و به اوج رسید. جلد سوخت، در دوره صفویه و پس از آن هم رایج بود.

- جلد سوخت معرق

جلد سوخت معرق، نوعی جلد سوخت می‌باشد، با این تفاوت که نقوش به روش معرق ساخته می‌شود. یعنی طرح مورد نظر بر روی چرم جدا می‌شود، سپس نقش‌ها از درون چرم دیگری بریده می‌شوند، و در کنارهم قرار داده می‌شوند. این

روش به حدی دقیق و ظریف اجرا می‌شده که هیچ درز یا فاصله‌های بین تکه‌های چرم به چشم نمی‌خورد. از قرن نهم هجری، ساخت این جلدها آغاز شده و در همین دوره و دوره صفوی به اوج می‌رسد. ابداع جلد معرق را به یکی از هنرمندان تیموری، «قوام‌الدین تبریزی» نسبت داده‌اند.

- جلد روغنی یا لاک‌ی «پاپیه ماشه»

در این شیوه از «نقاشی لاک‌ی»، برای پوشش جلدی که با تکنیک «پاپیه ماشه»، ساخته شده است، استفاده می‌شود. ابتدا جلد به روش پاپیه ماشه، از خمیر کاغذ و چسب ساخته می‌شود، سپس روی آن با نوعی نقاشی با آبرنگ که روی آن با مواد جلا دهنده (لاک)، می‌پوشانند، پوشیده می‌شود. جلد روغنی یا لاک‌ی، در قرن دوازدهم و سیزدهم هجری به اوج رسید.

- جلد قلمکار

در این نوع جلد، برای روکش، از پارچه «قلمکار»، استفاده می‌شود. پارچه قلمکار، نوعی پارچه‌های نخی یا ابریشمی است که با رنگ بر روی آنها نقش می‌انداختند، برای نقش انداختن از قالب‌هایی که از چوب گلابی ساخته شد بود استفاده می‌کردند. جلد قلمکار، از دوره صفویه مورد استفاده قرار گرفته است.

هنر چاپ در ایران

عالمان واژه‌شناس معتقدند که واژه چاپ از اصل چینی «کا او CaO» گرفته شده است و در حدود اواخر قرن هفتم هجری، به صورت «چاو» وارد زبان فارسی شده است. در زمان حکومت «گیاخاتون»، پادشاه مغول، (۶۹۴ تا ۶۹۰ ه.ق) خزانه‌ی مملکت خالی ماند، «عزالدین محمد بن مظفر بن عمید» که از اوضاع چین و مملکت خاقان با خبر بود، وزیر سلطان و مشاور او شد و پیشنهاد کرد که به جای زر و سیم رایج، مانند چینی‌ها، پول کاغذی به نام «چاو» را در ممالک ایران رواج دهند و به این ترتیب بحران مالی را بر طرف کنند. طرح او تأیید شد و آنها به تهیه چاو پرداختند، در حدود سال ۶۹۳ هجری، چاو به جای زر و سیم رایج شد و دستگاهی که برای تهیه چاو دایر شد، و «چاو خانه» نامیده می‌شد، برای اولین بار در تبریز جریان افتاد. اما مردم از قبول آن امتناع کردند و پس از مدتی پول‌های کاغذی از چرخه خارج شد. به همین دلیل است که امروزه «چاپ زدن» که از ریشه «چاو زدن» است، به معنی دروغ گفتن و چاپچی و چاپیدن نیز دارای معانی منفی هستند.

دو سند از دوران هخامنشیان در دست است، که آنها را قدیمی‌ترین سابقه چاپ دانسته‌اند:

- لوحه‌های گلی اسناد و مدارک مخارج بنای تخت جمشید که به صورت یک آرشیو بایگانی شده است.

- مهرهایی که حکاکی شده با کلمات و تصاویر بوده است.

صرف نظر از کتیبه‌های بزرگ دوران هخامنشی که روی سنگ کوه‌ها با قلم‌های فلزی حکاکی شده، در مورد حکاکی لوحه‌ها و مهرهای کوچک از حکاکی و چاپ گود استفاده شده است. این لوحه‌ها جنبه اطلاع رسانی داشته‌اند و مانند چاپ امروزی به وسیله مرکب بر روی کاغذ ثبت نشده‌اند، بلکه با فشردن مهرهای اصلی بر روی صفحات گل به تکثیر آنها می‌پرداخته‌اند.

برخی از مهرها و لوحه‌های غلتک مانند سلطنتی را روی موم مذاب سر فرمان‌های سلطنتی فشار می‌دادند. این مهرها و غلتک‌ها که «لول» نامیده می‌شوند، شاید ابتدایی‌ترین چاپ باشند.

در زمان حکومت مغول‌ها بر ایران، مهر و اسامی شاهان مغول در اندازه‌های 20×20 ، یا بزرگ‌تر روی چوب حکاکی می‌شد و با مرکب پایین طومارها و فرمان‌ها چاپ می‌شده است.

آن چه به صورت چاپ امروزی از اروپا به شرق آمده در کشور ایران زودتر از همه کشورهای اسلامی جا باز کرد و ترقی نمود.

اولین متن فارسی که در جهان چاپ شده است، نسخه‌ای از «تورات» است که در سال ۹۵۳ هجری قمری، توسط مبلغان مسیحی به چهار زبان و به خط عبری در استانبول چاپ شده است، یکی از آن چهار زبان، ترجمه فارسی آن است.

اولین چاپخانه ایران و خاورمیانه توسط پیشوای مذهبی آرامنه در «جلفای اصفهان» راه‌اندازی شد. در طی ۱۲ سال فعالیت این چاپخانه، ۸ کتاب به زبان ارمنی چاپ شد، نام این کتاب‌ها: «زبور داوود، شرح حال پدران ارمنی، کتاب کلیسایی، تقویم نامه‌های حواری بخوس، بخش‌هایی از دو کتاب انجیل و تورات».

این چاپخانه، به مدت ۳۶ سال تعطیل ماند و در سال ۱۸۷۲ میلادی دوباره فعالیت خود را آغاز کرد.

اولین چاپخانه سربی (حروفی) در ایران در حدود سال ۱۲۲۷ هجری قمری، در زمان «عباس میرزا» در تبریز دایر شد و اولین کتابی که در این چاپخانه چاپ شد، «فتح نامه» ای درباره یکی از جنگ‌های اول ایران و روس می‌باشد. کتاب دیگر این چاپخانه، کتاب «جهادیه» است که توسط «میرزا عیسی قائم مقام فراهانی» تألیف شده است و درباره حکم جهادی است که در جنگ دوم ایران و روسیه صادر شده بود. «رساله آبله کوبی»، تألیف «عبدالصبور خویی» آخرین کتابی است که در این چاپخانه، چاپ شد. این چاپخانه سربی تا سال ۱۲۴۵ هجری قمری در تبریز دایر بود.

در سال ۱۲۳۹ هجری قمری، چاپخانه سربی دیگری در «تهران» دائر شد، و کتاب «محرق القلوب»، اولین کتابی است که در این چاپخانه، چاپ شد.

در زمان فتحعلیشاه، عباس میرزا نایب‌السلطنه، «محمد صالح بن حاج محمد باقرخان شیرازی» معروف به «میرزا صالح تبریزی» را برای فرا گرفتن هنرهای جدید به روسیه فرستاد، و او در بازگشت، دستگاه چاپ سنگی (لیتوگرافی) را با خود به تبریز آورد. «آقا علی ابن حاج محمد حسین امین‌الشرع تبریزی» به ریاست آن گماشته شد و اولین کتابی که چاپ کرد «قرآن» بود.

ده سال بعد، یعنی در سال ۱۲۶۰ هجری قمری، چاپ سنگی در تهران دائر شد و کتاب «صدیقه‌ی الشیعه» تألیف «ملا احمد اردبیلی» را چاپ کرد. در سال ۱۲۴۴، چاپخانه سربی در اصفهان، ترجمه «ملا ابراهیم استرآبادی» را به‌عنوان اولین کتاب این چاپخانه، چاپ کرد.

در آغاز صنعت چاپ سربی در ایران، تصاویر به دو طریق چاپ می‌شد:

- حکاکی روی ورقه‌های مس یا روی با استفاده از اسید، که نمونه‌ای از «حکاکی گود» بود و لوحه‌های چوب سخت شمشاد، که مانند حکاکی ورقه‌های چاپ قلمکار بود.

- حکاکی روی سنگ که لیتوگرافی نام داشت.

چاپ در ایران جنبه کاربردی داشته است، چاپ پارچه قلمکار با استفاده از حکاکی روی چوب گلابی، و نوعی چاپ مهر برجسته روی کاغذ که «عیدی سازی» نام داشت، کاغذهای چاپ شده‌ای که حکم کارت‌های تبریک و اعیاد امروزی را داشت.

هنر خط و خوشنویسی ایران پس از اسلام

هنر خوشنویسی در دوران اسلامی، دارای اهمیت زیادی بوده است. به دلیل علاقه بسیار زیاد برای زیبا نگاشتن کتاب قرآن، مسلمانان به هنر خوشنویسی و کتاب آرایبی اهمیت فراوانی می‌دادند.

مسلمانان علاوه بر کتاب قرآن، برای نوشتن کتاب‌های مختلف از هنر خوشنویسی بهره گرفته‌اند. و با گذشت زمان شیوه‌های مختلفی برای هنر خوشنویسی به وجود آمده که مخصوص به یک دوره نیز نبوده‌اند. این شیوه‌ها در دوره‌های مختلف در کنار یکدیگر مورد استفاده قرار گرفته‌اند و اکثر شیوه‌های خوشنویسی هنوز هم مورد استفاده هستند.

در اوایل دوره اسلامی، «خط کوفی»، برای نوشتن قرآن متداول شد. این خط در طی قرن‌ها مورد استفاده مسلمانان در نوشتن کتاب و آراستن بناها بود. در ابتدا حروف این خط افقی‌های کشیده، عمودی‌های کوتاه و شکل‌های دایره وار داشتند، و با گذشت زمان این خط تا قرن پنجم هجری، به صورت هندسی، و تزئینی در آمد. خط کوفی دارای انواع گوناگونی مانند: «کوفی گلدار، کوفی طوماری، کوفی مشبک، کوفی حاشیه‌دار و کوفی بنایی می‌باشد.»

خط کوفی اولین خطی است که برای کتابت قرآن به کار رفت و تا قرن سوم هجری تنها خط رسمی مسلمانان بود. و خط کوفی تحریری از قرن اول تا اواخر قرن پنجم هجری در ایران رواج داشت.

به مرور «خط نسخ»، که آن هم دارای عناصر منحنی بود، جای خط کوفی را در نگارش قرآن گرفت. این خط خواناتر از خط کوفی بود و امکان جاگذاری درست علامت‌ها و نقطه‌ها را داشت. «ابن مقله» و «ابن بوّاب»، سهم بسیاری در زیبا ساختن خط نسخ داشتند. نام دیگر این خط، «خط قرآنی» است.

«خط ثلث»، در نوشتن کتیبه‌ها، سردرها، کتاب‌ها و حاشیه محراب مساجد بسیار مورد استفاده قرار گرفته‌است. برخی معتقدند چون یک سوم این خط دور می‌باشد و باقی سطح، آن را ثلث نامیده‌اند.

در قرن پنجم هجری، شش قلم اساسی در خوشنویسی رایج بود که «اقلام سته»، نامیده می‌شود. ابداع زیبایی شناسی این اقسام شش گانه را به «ابن مقله» نسبت داده‌اند. اقسام سته عبارتند از: «نسخ، ثلث، ریحان، محقق، توقیع، رقاع.»

در قرن هفتم هجری، «یاقوت مستعصمی»، قواعد این خطوط را تکمیل کرد و زیبایی آنها را به کمال رساند. شاگردان یاقوت مستعصمی، این خطوط را در سراسر ممالک اسلامی رواج دادند و قرن هشتم هجری یکی از درخشانترین دوره‌های خوشنویسی شد. «جعفر بایسنقری تبریزی» یکی از معروفترین خطاطان در نوشتن خط ثلث، در قرن نهم هجری است. «عبدالله طباطبائی هروی، بایسنقر میرزا، عبدالباقی تبریزی، علاءالدین تبریزی، و علیرضا عباسی» از استادان ممتاز خط ثلث بودند.

با گذشت زمان، از قلمهای رقاع و توقیع، «خط تعلیق» به وجود آمد. این خط در قرن نهم هجری، توسط «خواجه تاج سلمانی اصفهانی» قانونمند شد و «خواجه اختیار منشی گنابادی» و «خواجه عبدالحی منشی استرآبادی» پس از او این خط را به کمال رساندند.

سپس دو خط «نستعلیق» و «شکسته تعلیق» از آن ایجاد شد. خط شکسته تعلیق، بیشتر برای نامه نگاری و خط نستعلیق برای کتاب نویسی استفاده می شد.

ایرانیان دو شیوه خط نستعلیق و شکسته نستعلیق را با ویژگی‌های خط و زبان فارسی ایجاد کردند. «میرعلی تبریزی»، از ترکیب دو خط نسخ و تعلیق، «خط نستعلیق» را به وجود آورد. خط نستعلیق در دروره تیموری و در مکتب هرات ایجاد شد. میرعماد حسنی قزوینی، معروف به «میرعماد»، در اوایل قرن یازدهم هجری، زیبایی این خط را به حد کمال رساند.

«خط شکسته نستعلیق» توسط «درویش عبدالمجید طالقانی» دارای اصول و قواعد استوار شد و به تکامل و زیبایی بسیار رسید.

از قرن یازدهم تا چهاردهم هجری، با روش خوشنویسی، نوعی علامت مخصوص یا امضای رمزی طراحی می‌کردند، که «طغرا» (طغری)، نامیده می‌شد. طغرا، در ترکیه عثمانی و ایران رایج بود و اغلب نام و لقب سلطان را شامل می‌شد. هنر «طغراکشی»، یعنی درست سوار کردن نام و سلطان وقت.

به احتمال زیاد، نوشتن جمله یا کلمه به صورت جانورانی مانند شیر یا پرنده در ارتباط با طغراکشی، پدید آمده‌اند. در ایران خوشنویسان طغراهای ابتکاری و «مرغ بسم‌الله» می‌ساختند، مانند: «ملک محمد قزوینی» (سیزدهم هجری)، «حسن زرین قلم (تاج‌الشعرا)» (قرن چهاردهم هجری).

«محمد رضا کلهر» در زمان ناصرالدین شاه، تغییراتی را در خط نستعلیق ایجاد کرد و آن را به صورتی که امروزه به کار می‌رود، در آورد. او یکی از خوشنویسان روزنامه‌های «شرف» و «شرافت» می‌باشد.

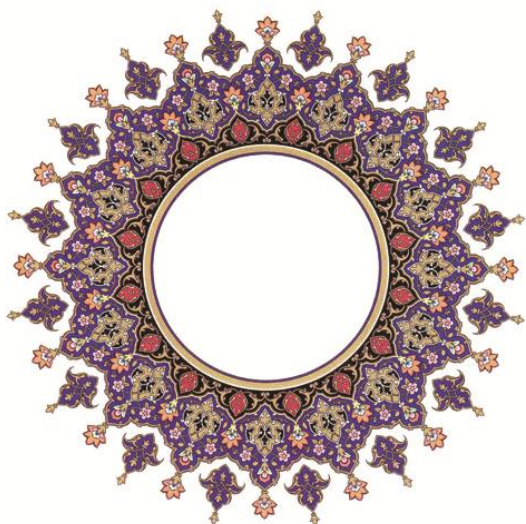
در خوشنویسی اسلامی و ایرانی، نظام تناسبات شیوه‌های مختلف خط، بر اساس «نقطه» می‌باشد، که همان پهنای قلم نئی، مورد استفاده خوشنویس است.

هنر تذهیب و هنر تشعیر

استفاده از نقوش انتزاعی و تزئینی، به خصوص در کتاب‌ها، دو بخش جدید «تذهیب» و «تشعیر» را وارد هنر ایران دوران اسلامی نمود.

هنر تذهیب

تذهیب، به معنی «زراندازی و طلا کاری»، مجموعه‌ای از نقش‌های زیبا و دل‌انگیز است که نقاشان و مذهبان برای هرچه زیباتر کردن کتاب‌های مذهبی، علمی، فرهنگی، تاریخی، دیوان اشعار، جُنگ‌های هنری و قطعه‌های زیبای خط به کار می‌برند. در اوایل دوره اسلامی تذهیب برای تزئین و جداسازی آیات «قرآن مجید» مورد استفاده قرار گرفت. در افتتاح سوره، فاصله آیات، سجده‌های واجب و ... دارای نمادهایی تزئینی است. علاوه بر نمادهای تزئین که دارای معانی خاصی هستند و کاربردهای متفاوت است، مانند «شمسه»، خورشید درخشان که کوچک و ستاره‌گون است و مفهوم نورانیت و منور بودن در قرآن است، در تذهیب از نقوش انتزاعی مانند «اسلیمی» و «ختایی» و سایر نقوش گل و بته استفاده می‌گردد.



اسلیمی، عربانه یا «آرابسک»، یکی از نقشمایه‌های شاخص در هنر اسلامی است که نقوش گیاهی درهم بافته شده یا طوماری را شامل می‌شود. اسلیمی به صورت ساده یا پیچیده، همواره متقارن و غالباً به صورت انتزاعی و نمودارگونه پدیدار می‌شود.

تذهیب، مانند نقاشی، دارای مکتب‌ها و دوره‌های خاصی است؛ تذهیب‌های دوره‌های مختلف، بیان‌کننده حالات و روحیات آن دوره‌ها هستند: تذهیب سده چهارم ه.ق ساده و بی‌پیرایه با نقوش هندسی، سده‌های پنجم و ششم ه.ق متین و منسجم، سده هشتم ه.ق پرشکوه و نیرومند و مجلل و سده‌های نهم و دهم ه.ق ظریف و تجملی هستند. در سده یازدهم و دوازدهم تذهیب به اوج تنوع و تعدد مکاتب خود رسیده است.

«قطاعی»، نیز نوعی تزئین در کتاب‌ها و اوراق اسلامی است. در این نوع تزئین، نقش‌ها، کلمات، و یا عباراتی را با مقراض (قیچی) و یا قلم تراش از کاغذ می‌چیدند و سپس قطعه‌های بریده شده را اگر رنگین بود بر روی کاغذ سفید و اگر سفید بود بر روی کاغذ رنگین می‌چسباندند.

هنر تشعیر سازی یا تشعیر اندازی

تشعیر سازی به هنر آراستن حاشیه صفحات (کتاب یا مرقع) با نقشمایه‌های حیوانات، پرندگان، و گیاهان گفته می‌شود. این هنر، از اوایل سده شانزدهم میلادی، «سده دهم هجری» در ایران رایج شد. نگارگران، غالباً، این نقشمایه‌ها را به رنگ طلائی بر پسزمینه لاجوردی طراحی می‌کردند.

تشعیر از شعر به معنای «مو» گرفته شده است. خطوط نازکی که به ظرافت یک موی به کار می‌رود علت نام گذاری این هنر است.

«قطاعی»، نیز نوعی تزئین در کتاب‌ها و اوراق اسلامی است. در این نوع تزئین، نقش‌ها، کلمات، و یا عباراتی را با مقراض (قیچی) و یا قلم تراش از کاغذ می‌چیدند و سپس قطعه‌های بریده شده را اگر رنگین بود بر روی کاغذ سفید و اگر سفید بود بر روی کاغذ رنگین می‌چسبانند.

هنر تشعیر سازی یا تشعیر اندازی

تشعیر سازی به هنر آراستن حاشیه صفحات (کتاب یا مرقع) با نقشمایه‌های حیوانات، پرندگان، و گیاهان گفته می‌شود. این هنر، از اوایل سده شانزدهم میلادی، «سده دهم هجری» در ایران رایج شد. نگارگران، غالباً، این نقشمایه‌ها را به رنگ طلائی بر پسزمینه لاجوردی طراحی می‌کردند.

تشعیر از شعر به معنای «هو» گرفته شده است. خطوط نازکی که به ظرافت یک موی به کار می‌رود علت نام گذاری این هنر است.

«عیدی سازی» نوعی چاپ با باسمه‌هایی از چوب گلابی بر کاغذ است، با موضوعات داستانی و مذهبی که از دوره زندیه رواج یافت. «نقاشی گل و مرغ»، برای بازنمایی موضوعی از طبیعت مانند گل، برگ، پرندگانی مانند بلبل و پروانه، با اسلوب «پرداز»، مورد استفاده قرار می‌گرفت. «مقرنس کاری» نام یکی از تزئینات در معماری است.

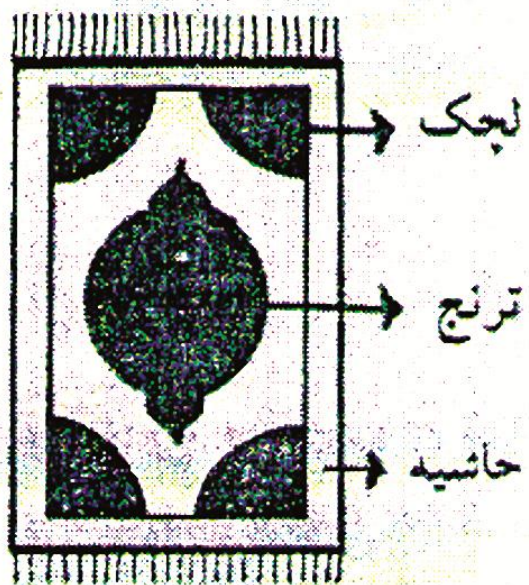
هنر قالببافی پس از اسلام

در قرن سوم هجری، ایالت مازندران واقع بر ساحل دریای خزر، یکی از مراکز مهم قالببافی بوده است و در قرن چهارم هجری، «شهر بخارا» رقیب آن شده است. ایالات خوزستان و فارس، پس از آنها به شهرت رسیدند. در قرن هشتم هجری قمری، دوره مغولی، قالی‌های ایرانی با طرح‌های هندسی و انواع جانوران نقش‌پردازی شده است. با بررسی نگارگری‌های دوره تیموری متعلق به قرن نهم هجری، مشخص می‌شود که قالی‌های ایران در این دوره دارای نقش‌های هندسی، مانند ردیف‌های تکرار هشت ضلعی‌های آمیخته با ستاره‌های هشت پر، شکل‌های گره مانند، و نیز نقش مایه‌هایی راستخط مشتق از خط کوفی کتیبه‌ها می‌باشند. این قالی‌ها تا اواخر سده‌ی نهم در نگاره‌ها به تصویر کشیده شده‌اند. در نیمه‌ی دوم همین قرن، صفحات نگارگری مکتب هرات، قالی‌هایی با نقش‌های خمیده خط را به تصویر کشیده‌اند، برخی از قالی‌هایی که نقش‌های خمیده دارند در طرح کلی به گروه قالی‌های «لچک ترنج» تعلق دارند، که در آنها ترنج مرکزی با چهار لچک، یا ربع ترنج، در چهار گوشه قالی، ترکیب‌بندی متعادل‌تر و رسمی‌تری را به وجود می‌آورند.

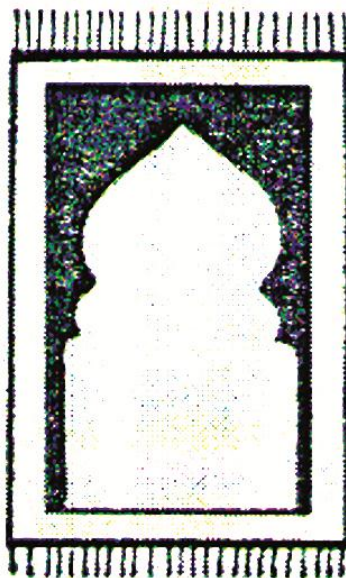
قالی‌های ایرانی به شکل مستطیل هستند، رنگ‌های اغلب آنها غنی و تند است و بدون این که سرد باشند تمایل به آبی دارند، زمینه اغلب آنها سرخ یا نیلی است. زرد، قرمزها، سبزه‌ها و قهوه‌ای‌های آنها نسبتاً نادرند. اغلب قالی‌ها از پشم تشکیل شده‌اند و در بعضی از آنها از ابریشم استفاده شده و گاهی هم نخ‌های طلا و نقره مورد استفاده قرار گرفته‌اند. تار و پود فرش‌ها از نخ پنبه‌ای است، ولی در بعضی از قالی‌های قدیمی از ابریشم استفاده می‌شده است.

نقوش قالی‌های ایرانی:

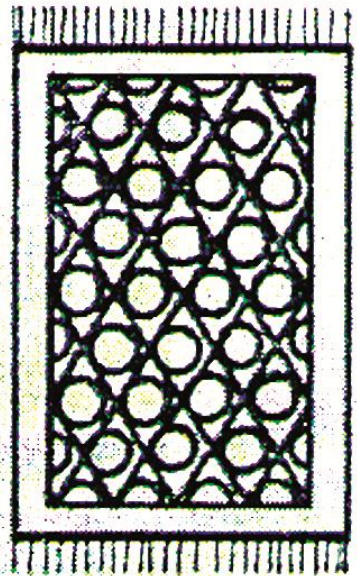
«گل و بته» بیشترین نقش در قالی‌های ایرانی است، و نقوش هندسی و گاهی شکل انسان، یا حیوان در آنها دیده می‌شوند، معروف‌ترین نقوش در قالی‌های ایرانی عبارتند از: «نقش باغ، شکارگاه، ترنج، حاشیه، گلدان، فرش‌های گلابتون یا زربفت، نقوش جدید.»



قرنجه‌ای



سجاده‌ای



نقش هندسی

مشهورترین نقش‌های قالی

– نقش باغ:

این نقش گاهی شکل نقشه به خود می‌گیرد و در آن استخر، جاده، باغچه و بیشتر از همه گلزار دیده می‌شود. گل‌ها بزرگ و ساقه‌های آنها شبکه‌ای از نقوش را به وجود آورده‌اند. در فرش‌های اوایل قرن ۱۷ م.، این خصوصیت دیده می‌شود. در قرن بعد نیز این روند ادامه می‌یابد و ساقه‌ها به گل و بته بدل می‌شوند، گل‌ها منظم‌تر شده و دو یا سه نوع می‌گردند. به این ترتیب نقوش ساده‌ای که «هراتی» و «میناخانی» نامیده می‌شوند، به وجود می‌آید.

– نقش شکارگاه

در بعضی قالی‌ها، حیواناتی نشان داده شده‌اند که توسط انسان یا حیوان دست آموز دنبال شده‌اند. برای ایرانیان شکار نشان حرکت و باغ نشان استراحت است.



قالی عهد صفوی با نقش حیوانی



– نقش ترنج

نقشی که در مرکز و گوشه‌ها قرار می‌گیرد، این نقوش انواع گوناگونی دارند.

قالی عهد صفوی با نقش لچک و ترنج

– نقش حاشیه

اغلب فرش‌های ایرانی، دارای حاشیه هستند که از ترکیب دو یا چند نوار ایجاد شده‌اند. اغلب حاشیه‌ها را ساقه‌های مواجی تشکیل داده‌اند که بر روی آنها برگ‌ها یا شکوفه‌ها قرار دارند ولی آنقدر قراردادی شده‌اند که تبدیل به شکل‌های هندسی شده‌اند.

– نقش گلدان

منظم‌ترین فرش‌های گلداری، به خصوص فرش‌های قرن ۱۷، نقش گلدانی را بر روی خود دارند که آنها را به نام فرش‌های گلدانی مشهور کرده است.

– فرش‌های گلابتون

در دوره‌ای تعداد زیادی فرش ابریشمی به وجود آمده که با نخ‌های طلا و نقره زینت یافته‌اند. اصل و مبدأ نقوش این فرش‌ها چندان مشخص نیست، زیرا از نظر نقش و اساس با قالی‌های قبلی تفاوت دارند.

– نقوش جدید

در قرن ۱۸ م.، علاوه بر نقوش قدیمی، فرش‌هایی با نقوش ساده‌تر بافته شده‌اند که از تکرار ردیفی از گل‌های مستقل یا سرو تشکیل شده‌اند.



قالی با نقش سجاده ای (محرابی)



قالی با نقش جوشقانی



قالی با نقش گل و نقوش طبیعی
معروف به قالی اردبیلی



گل قالی معروف به شاه عباسی